یادداشت

نگاهی روان‌شناختی به علل بروز پدیده مزاحمت‌های خیابانی

امیررضا دژکام

اکنون که در هزاره سوم زندگی می‌کنیم، باید سعی بر آن داشته باشیم که همراه با پیشرفت روزافزون تکنولوژی و فناوری در تمامی عرصه‌ها، اندکی نیز به مدرنیته‌بودن بیندیشیم و روزگار را سپری کنیم. اما متأسفانه از قرن بیست‌ویکم فقط رهاوردهای منفی و نگران‌کننده‌اش حاصل این جامعه شده و بسی جای نگرانی و تأسف دارد که روز به روز هم شاهد پیدایش و نیز گسترش یک آسیب اجتماعی دیگر در جامعه و سطح کشورمان بوده و هستیم! روزی ورود قرص‌های روانگردان و اعتیاد جوانان رهاوردی زهرآگین بود که البته هنوز هم ادامه دارد و به جان هزاران جوان خام این مرز و بوم کهن به نوعی آسیب رسانده و فروپاشی آن را سبب شده است. روز دیگر، پدیده دختران فراری، پیامد منفی ویژه‌ای بود که انگار مانند پتکی بر پیکره خانواده‌ها و دختران این سرزمین پهناور فرود آمد و آثار و عواقب سوء آن هنوز هم که هنوز است، گریبان‌گیر جامعه امروزی ماست! بگذریم. کشور و جامعه‌ای با این همه قدمت فرهنگی، چرا باید درگیر و دار این همه معضل و آسیب اجتماعی قرار بگیرد؟! چرا باید هر روز شاهد پیدایش یک معضل جدید باشیم؟!

مزاحمت‌های خیابانی در یک نگاه

وقتی فردی در جامعه خویش از سوی اشخاص مختلف و به راه‌های متفاوت به نوعی آزار و اذیت روحی و روانی می‌شود (منظور دختران جوان هستند) و کسانی که مرتکب این اعمال می‌شوند، به جرئت می‌توان گفت که از لحاظ شخصیتی مشکل دارند. «اختلال شخصیت ضد اجتماعی»، فرایندی است که در این قبیل افراد دیده می‌شود. شاید انحرافات اخلاقی و اینکه فرد میل به آزار و اذیت‌کردن دیگران دارد، از دیدگاه روان‌شناسی و روان‌پزشکی او به‌عنوان یک فرد «سادیستیک» یا دیگر آزار به‌شمار آید. پس فردی که مزاحم زندگی فردی و اجتماعی دختران جوان می‌شود، نه‌تنها از دید قانونی و حقوقی بلکه از نگاه روان‌شناختی نیز مشکل‌دار است و باید درمان شود.

علل شیوع مزاحمت‌های خیابانی برای دختران جوان و عواقب آن

به جرئت می‌توانم به این موضوع اشاره کنم که هم‌اینک پدیده مزاحمت‌های خیابانی برای دختران‌جوان به اندازه‌ای در سطح کشور شیوع پیدا کرده است که از مهم‌ترین و بحث‌برانگیزترین مباحث عمده در سطح آسیب‌شناسی اجتماعی است و از سوی کارشناسان مطرح شده و می‌شود. بدون تردید باید گفت که یکی از مهم‌ترین پیامدهای منفی و عواقب نگران‌کننده و نابهنجار این پدیده شوم می‌تواند این باشد که به نوعی تعهد، تفاهم، موارد اخلاقی، عرفی، شرعی، دینی و مذهبی عموم دختران جوان را هدف قرار گرفته و اگر با این رویه برخورد مناسب صورت نگیرد، می‌تواند آسیب‌های جبران‌ناپذیری بر پیکره دختران جوان ایران‌زمین وارد آورد. این واقعیتی ملموس است که باید به آن بیش از پیش پرداخت.

بررسی علل و عوامل مؤثر در بروز پدیده مزاحمت‌های خیابانی

بدون شک در تمام آسیب‌های اجتماعی، علل و عواملی می‌تواند تأثیرگذار باشد. پس اگر از قبل این عوامل به دقت و درستی بررسی شود، شاید بتوان اندکی از پیشرفت آن جلوگیری کرد. به قول معروف: «علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد!». حال می‌خواهم علل و عوامل این پدیده را به‌طور مختصر و مفید برایتان بگویم: ۱_ محیطی که فرد در آن زندگی می‌کند (خانواده). ۲_ محیط‌های آموزشی که می‌تواند شامل : دبیرستان، دانشگاه و... باشد. ۳_ محیط کار و افرادی که آنجا مشغول به کار هستند. ۴_ محیط، اجتماعی که فرد در آن به طور روزمره رفت و آمد دارد. به‌طور حتم می‌توانم به این جمع‌بندی برسم که هرکدام از این محیط‌ها، فرهنگ خاص خود را دارد ولی باید به نوعی با جامعه امروزی ما در تعامل و ارتباط متقابل باشند. محیط سالم خانواده شکل‌گیری شخصیت بهنجار فرد را سبب می‌شود. محیط سالم و به دور از دغدغه تحصیلی می‌تواند افکار، دیدگاه و نگرش فرد تحصیل‌کرده را تغییر دهد. محیط کار و افرادی که آدمی با آنها به‌عنوان همکار سر و کار دارد، باید به‌نوعی به دور از هرگونه مسائل غیراخلاقی باشد تا آن دختر جوان با آرامش خاطر و به دور از هر گونه تنش و استرس و اضطراب بتواند وظیفه‌ای را که به او محول شده است، به بهترین شکل ممکن به انجام برساند. محیط اجتماعی که همه ما در آن زندگی می‌کنیم، تعامل‌ها، واکنش‌ها، ارتباط‌های متقابل، همه و همه می‌تواند در صورت منفی‌بودن، پیدایش مزاحمت‌های خیابانی در سطح گسترده را سبب شود. پس شناخت تمام این عوامل می‌تواند ما را تا حدی به سر منزل مقصود رهنمون کند.

آیا می‌توان پدیده مزاحمت‌های خیابانی را از بین برد؟

در پاسخ به این پرسش باید بگوییم که این موضوع تنها به دست یک یا چند نفر قابل‌حل نیست، بلکه نیاز به بررسی، تحقیق، تأمل، تفکر و بازنگری در نحوه پیدایش، رشد، گسترش و پیشرفت آن دارد و این امر میسر نخواهد شد مگر با هم‌اندیشی، همکاری، همدلی، هم‌فکری، هم‌صدایی تمام افراد و ارگان‌ها، نهادها، سازمان‌های دولتی و غیردولتی، جامعه‌شناسان، کارشناسان، آسیب‌شناسان اجتماعی، کارشناسان امور تربیتی، روان‌شناسان، مددکاران اجتماعی، حقوق‌دانان و نهادهایی مانند بهزیستی، نیروی انتظامی، رسانه‌ها، مطبوعات، صداوسیما، جراید، همه‌وهمه دست به دست هم با یک برنامه‌ریزی دقیق و اراده قوی برای اطلاع‌رسانی، پیشگیری و جلوگیری از گسترش آن گام بردارند.

کلام پایانی روان‌شناس

در یک کلام چنین می‌توان نتیجه‌گیری کرد که برای حل این مشکل نیاز به تعامل و همکاری دلسوزانه داریم. دختران جوان این مرز و بوم کهن باید بتوانند در آرامش زندگی کنند. به‌راحتی و بدون ترس و وحشت در خیابان و محیط‌های اجتماعی حضور داشته باشند. باید با افرادی که در فکر آسیب‌رسانی به جسم و روح و روان دختران جوان هستند، به‌شدت برخورد قانونی و حقوقی و جزایی شود. افرادی که درصدد برهم‌زدن آرامش و آسایش دختران جوان در جامعه جولان می‌دهند، باید بدانند که یک نهاد نظارتی محکم و سرسخت دنبال رفتارهای بزهکارانه آنان است تا به همین سادگی‌ها به جان و مال و ناموس دختران عزیز ایران‌زمین دست‌درازی نکنند و برای آنان مزاحمت روحی و روانی و اجتماعی ایجاد نکنند. به دختران جوان سرزمین مادری‌ام نیز به‌طور جدی توصیه می‌کنم که از حضور در مکان‌های خلوت و شب‌ها به‌ویژه به صورت تک و تنها جدا خودداری کنند. اگر کسی به آنان پیشنهاد داد که در مسیری آنان را برسانند به‌هیچ‌وجه سوار خودروهای سواری شخصی نشوند. تا جایی که امکان دارد از خودروهای عمومی و مترو و اتوبوس و تاکسی‌های مطمئن برای رفت و آمد خود استفاده کنند و اموال شخصی و کیف و گوشی موبایل خود را در دسترس قرار ندهند.

اُتیسم و آنچه والدین و جامعه باید از آن آگاه باشند

مژگان حیدری

متخصص اطفال

اختلال طیف اتیسم (ASD) یک اختلال تکامل عصبی است که در مغز رخ می‌دهد. عوامل متعددی ازجمله عوامل محیطی، بیولوژیکی و ژنتیکی دست به دست هم می‌دهند تا مسیر تکامل عصبی فرد دارای اتیسم متفاوت از تکامل عصبی نرمال باشد. آمارها نشان از افزایش تعداد افراد مبتلا به اتیسم در سطح جهانی است. تشخیص اتیسم بسیار سخت است و تست‌های رایج پزشکی ازجمله تست خون در این زمینه ناکارآمد هستند و مهم‌ترین راه شناسایی تشخیص بالینی و شرح حال رفتارهای کودک از زبان والدین است. از این جهت، آشنایی والدین با اتیسم و علائم و نشانه‌ها بسیار مهم است. در این نوشته به اختصار به شایع‌ترین نشانه‌های این اختلال، شیوع فزاینده جهانی آن، باورهای غلط جامعه درباره علل بروز اتیسم، نحوه تشخیص آن و چالش‌های درمان آن پرداخته شده است. لازم به ذکر است این نوشته صرفا به جهت افزایش آگاهی‌های عمومی مرتبط با اتیسم است و برای تشخیص و درمان دقیق باید به پزشک متخصص مربوطه مراجعه شود.

اتیسم در ایران و سایر کشورها

انجمن اتیسم ایران شیوع این اختلال را در بین ایرانیان حدودا یک نفر در صد نفر موالید گزارش کرده است. این عدد در دیگر کشورها متفاوت گزارش شده؛ ازجمله در کره جنوبی که یک نفر در ۳۸ نفر موالید است. طبق جدیدترین آماری که مرکز کنترل و پیشگیری از بیماری‌های آمریکا (CDC) ارائه داده، در سال ۲۰۲۳ در این کشور به ازای هر ۳۶ نوزاد یک نوزاد دارای اتیسم متولد شده است، درحالی‌که این آمار در سال ۲۰۲۲ میلادی یک مورد در ۴۴ مورد بوده است و این افزایش می‌تواند زنگ هشداری برای جوامع باشد. علت تفاوت آماری افراد مبتلا به اتیسم در ایران و سایر کشورها می‌تواند به دلیل عدم موفقیت در تشخیص این بیماری، نبود سیستم یکپارچه جهت ثبت موارد تشخیص داده‌شده و نیز آگاهی‌نداشتن خانواده‌ها از علائم این اختلال باشد. طبق بررسی‌های انجام‌شده توسط مرکز کنترل و پیشگیری از بیماری‌های آمریکا، شیوع اتیسم در جهان افزایش ۲۴۱درصدی را نسبت به سال ۲۰۰۰ میلادی داشته است که نشان‌دهنده نیاز به عزمی جهانی جهت شناخت بیشتر این بیماری و کشف راه‌های پیشگیری از بروز آن است. در این میان، آمار ثبت‌شده برای پسرها حدودا چهار برابر بیشتر از دخترها بوده است. شایان ذکر است این اختلال در تمامی گروه‌های نژادی، قومی و اجتماعی-اقتصادی رخ می‌دهد.

ماهیت اتیسم

ماهیت اتیسم هنوز به‌طور کامل شناسایی نشده است، اما در بین مطالعات علمی صورت‌گرفته ژنتیک در صدر علل شناخته‌شده اتیسم جای دارد. ژن‌های گوناگونی می‌توانند از طریق پدر یا مادر به کودک منتقل شود. در اثر این اختلالات ژنتیکی، ترشح انتقال‌دهنده‌های عصبی در مغز مانند سروتونین دچار اختلال می‌شود. نوروترنسمیترها یا انتقال‌دهنده‌های عصبی، مواد شیمیایی هستند که در مغز ساخته می‌شوند و امکان ارتباط بین سلول‌های عصبی با یکدیگر را فراهم می‌کنند. در نتیجه مدارهای عصبی در مغز از نظم طبیعی خارج شده که این خود منجر به اختلال در ساختارهای مغز شده که نهایتا باعث بروز علائم اتیستیک می‌شود. در کنار عوامل ژنتیکی نیز برخی از عوامل محیطی ممکن است در بروز اختلالات طیف اتیسم نقش اساسی داشته باشند. به‌عنوان مثال، تولد نوزاد نارس (قبل از هفته ۳۵ بارداری)، عوارض حوالی زایمان مانند هیپوکسی نوزاد (هیپوکسی به معنای نرسیدن اکسیژن کافی به مغز نوزاد است)، قرارگرفتن در معرض الکل در رحم، قرارگرفتن در معرض برخی داروها (مانند والپروات سدیم، مورد استفاده در درمان صرع) در رحم می‌توانند عامل بروز اتیسم تلقی شوند.

تشخیص اتیسم

اختلال طیف اتیسم می‌تواند از زمان تولد شروع شود. این به آن معناست که افراد در بزرگسالی مبتلا به اتیسم نمی‌شوند. طبق جدیدترین گزارش CDC (مرکز کنترل و پیشگیری از بیماری‌های آمریکا)، هرچند قبل از دوسالگی هم امکان تشخیص اختلال طیف اتیسم وجود دارد ولی اکثر کودکان بعد از چهارسالگی تشخیص داده می‌شوند و این علائم می‌تواند در تمام طول عمر ادامه یابد. در این میان برخی از علائم می‌تواند در طول زمان بهبود یابند. در موارد خفیف‌تر، اختلال طیف اتیسم حتی ممکن است تا سنین دبستان شناسایی نشود. میانگین سنی تشخیص برای کودکان مبتلا به اتیسم در ایران سه تا ۹ سال است. تشخیص اختلال طیف اتیسم بسیار دشوار است؛ زیرا تست‌های پزشکی از قبیل آزمایش خون جهت تشخیص این اختلال وجود ندارد. تشخیص کاملا بالینی است و بر مبنای اخذ شرح حال دقیق از والدین و مشاهده کودک و ارزیابی تعاملات و روابط کودک حاصل می‌شود. از این‌رو اطلاع‌رسانی علمی به مادران و خانواده‌ها می‌تواند در تشخیص به‌موقع کمک شایانی کند. این اختلال از نظر ظاهر علائم بسیار ناهمگن و گسترده است. برای مثال تنها تکامل غیرطبیعی زبان و استفاده غیرمعمول از کلام ویژگی اصلی اختلال طیف اتیسم نیست. بنابراین صرفا وجود چند علامت نمی‌تواند تشخیص را قطعی کند و برای تشخیص قطعی باید علائم را مثل قطعات یک پازل کنار یکدیگر قرار داد. یکی از اهداف ما در آگاهی‌رسانی به جامعه، شناسایی زودهنگام و شروع درمان‌های توان‌بخشی است. سن طلایی تشخیص اتیسم، کمتر از سه سال است. با تشخیص زودهنگام و شروع درمان می‌توان پیش‌آگهی این کودکان را ارتقا بخشید. در همین راستا انجمن متخصصان کودکان آمریکا (AAP) توصیه به انجام غربالگری وضعیت تکاملی و رفتاری برای تمام کودکان سالم در سنین ۹ماهگی، ۱۸ماهگی و ۳۰ماهگی دارد. این انجمن توصیه به غربالگری اختصاصی اتیسم برای تمام کودکان سالم در سن ۱۸ماهگی و ۲۴ماهگی دارد. غربالگری معمولا به کمک پرسش‌نامه‌هایی انجام می‌شود که وضعیت کودک را مورد ارزیابی و سنجش قرار می‌دهند.

علائم و نشانه‌های اتیسم

همان‌گونه که اشاره شد، اتیسم طیف گسترده‌ای از اختلالات در ارتباطات اجتماعی و رفتارهای محدود و تکراری را توصیف می‌کند. این علائم و نشانه‌ها می‌تواند در سنین مختلف متفاوت باشد. برای مثال در ۹ماهگی پرهیز از برقراری تماس چشمی و عدم واکنش به نام، در یک‌سالگی عدم استفاده از زبان بدن مانند بای‌بای‌کردن، در دوسالگی عدم توجه به احساس غم یا آسیب‌دیدن دیگران، در سه‌سالگی بازی‌نکردن با کودکان، در چهارسالگی نداشتن بازی‌های نمادین مثل ایفای نقش معلم و نهایتا به‌عنوان مثال در پنج‌سالگی عدم توانایی در شعر خواندن برای دیگران می‌تواند از نشانه‌های اصلی اتیسم باشد. لازم به ذکر است داشتن یک یا چند مورد از این عوامل الزاما به معنای داشتن اتیسم نیست، اما توصیه می‌شود با مشاهده این علائم به پزشک متخصص مربوطه مراجعه شود. کودکان دارای اتیسم الگوهای رفتاری و علایق تکراری و محدودی دارند. از دیگر نشانه‌های اتیسم در کودکان می‌توان به این موارد اشاره کرد: کودک با اسباب‌بازی‌هایش همیشه به یک شکل بازی می‌کند، اسباب‌بازی‌ها را ردیف می‌چیند و اگر نظمش به هم بخورد پریشان می‌شود، به اجزای وسایل توجه زیادی دارند (مثلا توجه زیاد به چرخ‌های اسباب‌بازی)، کلمات و عباراتی را مکررا تکرار می‌کنند، روتین‌های مشخصی را دنبال می‌کنند، دست‌هایشان را زیاد تکان می‌دهند، بدنشان را زیاد تکان می‌دهند یا زیاد دور خود می‌چرخند و واکنش‌های غیرعادی به محرک‌های محیطی مختلف مانند نور، صدا، بو، مزه و... دارند. مثلا به صداهای گفتاری واکنشی نشان نمی‌دهند، اما به تیک‌تیک ساعت، صدای جویدن غذا یا بوق ماشین واکنش شدید نشان می‌دهند. والدین با مشاهده این نشانه‌ها باید مراجعه فوری به پزشک متخصص داشته باشند. سایر علائم مانند تأخیر تکلم (برخی کودکان دارای اختلال طیف اتیسم تکلم مناسبی دارند)، تأخیر حرکتی، تأخیر در یادگیری، تشنج، عادات غذایی و خواب غیرمعمول، مشکلات گوارشی مانند یبوست، واکنش‌های احساسی غیرعادی (خنده و گریه بی‌دلیل)، اضطراب و نگرانی خیلی زیاد، فقدان ترس یا ترس بیش از حد انتظار، بیش‌فعالی و رفتارهای تکانشی از علائم همراه اتیسم هستند.

با توجه به گستردگی علائم، برگزاری نشست‌های تخصصی در رسانه‌های عمومی و فضای مجازی برای آشنایی مردم با اُتیسم امری الزام‌آور است. لازم به ذکر است داشتن یک یا چند مورد از این عوامل الزاما به معنای داشتن اُتیسم نیست اما توصیه می‌شود با دیدن این علائم به پزشک متخصص مربوطه مراجعه شود.

راه‌های درمان اُتیسم:

متأسفانه تاکنون درمان قطعی برای اختلال طیف اُتیسم کشف نشده است. اما با درمان‌های معمول که شامل کاردرمانی، گفتاردرمانی و رفتاردرمانی است، می‌توان به بهبود کیفیت زندگی و عملکرد مستقل و کاهش وابستگی مبتلایان کمک کرد. داروهای مورد تأیید بیشتر علائم همراه این اختلال، مانند رفتارهای کلیشه‌ای، بیش‌فعالی، تیک، اختلال خواب و... را کاهش می‌دهند. ذکر این نکته می‌تواند مهم باشد که استفاده از داروهای گیاهی بدون مشورت با پزشک متخصص ممکن است با داروهای مورد تأیید پزشک تداخل جدی ایجاد کند و سبب بروز مشکلات عدیده‌ای شود. به همین دلیل به مراقبان افراد دارای اُتیسم همواره توصیه می‌شود برای استفاده از هر روش درمان دارویی یا غیردارویی با پزشک معالج خود مشورت کنند.

هزینه‌های تقریبی درمان و مراقبت از افراد دارای اختلال طیف اُتیسم:

انجمن اُتیسم ایران هزینه‌های توان‌بخشی شامل کاردرمانی، گفتاردرمانی و رفتاردرمانی را به میزان حداقل ۱۵میلیون تومان در ماه تخمین زده است. علاوه بر درمان‌های توان‌بخشی، بیش از ۵۰ درصد افراد دارای اختلال اُتیسم نیاز به درمان‌های دارویی برای کنترل بیش‌فعالی، کم‌خوابی و... دارند که هزینه این داروها بیش از شش میلیون تومان در ماه اعلام شده است (اعداد تقریبی است). عدم دسترسی به مراکز دارای گفتاردرمانی، کاردرمانی و رفتاردرمانی در مناطق روستایی یا شهری کم‌برخوردار باری مضاعف بر دوش خانواده‌های دارای فرزند اُتیسم است. علاوه بر این باید توجه داشت که مراقبت از فرد دارای اُتیسم منجر به ازکارافتادگی والدین نیز خواهد شد که در شرایط اقتصادی سخت، دردی مضاعف برای خانواده‌هاست. اکثر این کودکان توانایی بیان نیازهای اولیه‌شان مانند تشنگی، گرسنگی و... را ندارند و حتی نمی‌توانند به‌تنهایی غذا بخورند یا به‌تنهایی لباس بپوشند و نیاز به مراقبت‌های شبانه‌روزی دارند. در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته با پرداخت ماهانه مبلغی متناسب با میزان ازکارافتادگی والدین، توانسته‌اند مشکلات معیشتی این افراد را کمتر کنند. یقینا با پوشش وسیع هزینه‌های توان‌بخشی توسط شرکت‌های بیمه‌گر و تخصیص بودجه‌ای برای حمایت از خانواده‌های دارای فرزند مبتلا به اُتیسم، گام بزرگی در راستای بهبود کیفیت زندگی کودکان دارای اُتیسم و والدینشان برداشته خواهد شد.

آسیب‌های اجتماعی:

والدین و حتی پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌های درگیر با اُتیسم بسیار در معرض بیماری‌های افسردگی هستند. طبق آمارها نرخ طلاق در خانواده‌های دارای اُتیسم به‌طور چشمگیری بالاتر از عموم جامعه است. پدر و مادر در مسیر مراقبت از فرزند دارای اُتیسم دچار احساس ناکامی و فقدان خواهند شد و شرایط اقتصادی و میزان حمایت‌های دولت‌ها از آنها می‌تواند در کاهش این احساس‌ها تأثیرگذار باشد. کنار آمدن والدین با این مسئله، پذیرش و آمادگی آنها برای مواجهه با موقعیت‌های مشکل‌ساز و نحوه برخورد مردم با کودکشان گامی مهم است. از این جهت آگاهی‌رسانی‌های عمومی می‌تواند مهم باشد و باری از دوش خانواده‌های دارای فرزند اُتیسم بردارد. به‌طور مثال باید بدانیم اگر با والدین کودکان دارای اُتیسم برخورد کردیم، دلسوزی و ترحم نکنیم، بیش از اندازه و خیره نگاه نکنیم، بی‌جهت مداخله نکنیم و اجازه دهیم والدین خودشان موقعیت مشکل‌ساز را مدیریت کنند. یکی از اقدامات مثبت انجام‌شده طراحی برچسب خودروی مخصوص اُتیسم است. این برچسب را باید بشناسیم و بدانیم که کودکان دارای اُتیسم به صدای بوق و حرکات سریع خودرو واکنش شدیدی نشان می‌دهند. با مشاهده حرکاتی مانند ضربه‌زدن به شیشه خودرو، جیغ‌زدن و... به کودک و والدینش خیره نشویم و باز هم اجازه دهیم والدین خودشان موقعیت مشکل‌ساز را مدیریت کنند. در ادامه به برخی از باورهای رایج که از لحاظ علمی مورد تأیید نیست اشاره می‌شود. دانستن این موارد برای مواجهه درست و علمی جامعه با افراد مبتلا به اُتیسم و خانواده‌هایشان ضروری است.

باورهای غلط: کودکان دارای اختلال طیف اُتیسم نمی‌توانند به مدرسه بروند

کودکان دارای اختلال طیف اُتیسم با توانایی ذهنی نرمال و دارای مهارت کلامی می‌توانند به مدارس عادی بروند. ولی در انواع شدید و به‌ویژه آنها که کم‌توانی ذهنی دارند آموزش مهارت‌های خودیاری (مانند پوشیدن لباس، مسواک‌زدن، دستشویی رفتن و...)، مهارت‌های اجتماعی و مهارت‌های تحصیلی پایه اولویت دارند که باید در کنار موضوعات تحصیلی مورد توجه قرار گیرد. طبق گزارش CDC (مرکز کنترل و پیشگیری از بیمارهایی آمریکا) ۴۴ درصد افراد دارای اُتیسم توانایی ذهنی (هوش) نرمال دارند. ۳۱ درصد مبتلایان ناتوانی ذهنی دارند. و حدودا ۴۰ درصد مبتلایان بدون کلام هستند. در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته از جمله آمریکا مدارس دولتی علاوه بر برگزاری کلاس‌هایی برای دانش‌آموزان معمولی، کلاس‌هایی ویژه کودکان دارای اُتیسم برگزار می‌کنند که در آنها علاوه بر آموزش مهارت‌های تحصیلی پایه، گفتاردرمانی و کاردرمانی نیز انجام می‌دهند. این مدارس موظف به ارائه خدمات آموزشی رایگان تا ۲۲ سالگی به افراد دارای اُتیسم هستند. یکی از علل منزوی‌شدن و خانه‌نشین‌شدن کودکان دارای اُتیسم در کشورمان، عدم دسترسی به این نوع آموزش‌هاست.

باورهای غلط: مادران یخچالی

یکی از فرضیاتی که به عنوان علت اُتیسم به‌خصوص در دهه‌های اخیر مطرح بوده است «فرضیه مادران یخچالی» است. برای دهه‌ها یکی از اصلی‌ترین علل ابتلا به اُتیسم در کودکان را حضور مادرانی می‌دانستند که نمی‌توانستند عواطف و احساسات گرمی از خود نشان دهند. در این سال‌ها، مادران کودکان دارای اُتیسم، زیر نگاه بی‌رحم جامعه فشار روانی مضاعفی را تحمل کردند. پس از سال‌ها پژوهش و تحقیقات علمی، دانشمندان قویا این فرضیه را رد کردند. هرچند هنوز هم برخی بر این باورند که احساسات مادران عامل این بیماری است و در این بین اطلاع‌رسانی و بحث‌های کارشناسی می‌تواند رهگشا باشد.

باورهای غلط: واکسیناسیون باعث اُتیسم می‌شود

یکی دیگر از باورهای رایج و غلط، تأثیر واکسیناسیون بر اُتیسم است. در دو دهه اخیر مطالعات فراوانی در دنیا، درباره ارتباط واکسیناسیون دوران کودکی و ابتلا به اُتیسم انجام شده است، که نتایج این مطالعات به‌وضوح و یکپارچه، این ارتباط را نفی می‌کنند. به‌طور خلاصه می‌توان گفت که واکسیناسیون دوران کودکی باعث اُتیسم نمی‌شود. عدم آگاهی‌رسانی کارآمد به والدین دارای فرزند اُتیسم، منجر به این شده است که بسیاری از این خانواده‌ها از دریافت واکسن‌ها طبق برنامه واکسیناسیون کشوری امتناع ورزند و این می‌تواند خطری برای کودک و کل جامعه باشد.

باورهای غلط: نگاه‌کردن طولانی‌مدت به صفحات نمایشگر باعث اُتیسم می‌شود

به‌طورکلی برای کودکان سالم، نگاه‌کردن به صفحات نمایشگر تلویزیون، موبایل، تبلت، کامپیوتر و... قبل از دو سالگی باید ممنوع باشد و برای کودکان دو تا پنج سال نهایتا به میزان حداکثر یک ساعت در شبانه‌روز باشد. تماشای طولانی‌مدت تلویزیون، موبایل و... می‌تواند باعث وخیم‌ترشدن علائم اُتیسم و تأخیر در مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی کودکان شود. با وجود این نگاه طولانی به صفحات نمایشگر دلیل اصلی ابتلا به اُتیسم نیست، بلکه زمینه ژنتیکی و اختلال ساختاری در مغز است که می‌تواند منجر به اُتیسم شود.

جمع‌بندی

در این نوشته به اختصار شرحی از اُتیسم، علائم و نشانه‌ها، راه‌های درمان و برخی از باورهای غلط داده شد. توجه به این نکته اساسی حائز اهمیت است که اُتیسم در سطح جهانی و در میان کودکان در حال افزایش است و کماکان راه تشخیص از طریق شرح حال‌های بالینی والدین است. از این جهت آشنایی والدین و جامعه با علائم و نشانه‌های اُتیسم در کودکان امری حیاتی است که می‌تواند با همت رسانه‌ها به سرانجام رسد.

ماجرای مشکوک مؤسسه خیریه نرجس شیراز و رأی بی‌فرجام دادگاه

رویا بابائی

خبرنگار حوزه معلولان

با وجود صدور کیفرخواست عزل مدیر مؤسسه خیریه نرجس شیراز و تعداد زیاد شاکیان و شاهدانی که مشاهدات خود را به مرجع قانونی انتقال داده‌اند، با این‌حال مدیر این مؤسسه همچنان با دهن‌کجی به قانون و شأن دادگاه در حال ادامه فعالیت است. به گزارش خبرآنلاین؛ هدایت‌اله بهاءالدینی، مدیر مؤسسه خیریه نرجس شیراز که سال گذشته توسط دادگاه بنا به اتهاماتی مانند تحصیل مال نامشروع، انتقال اموال خیریه به نام خود و فروش آن، سوءاستفاده از هدایا و اموال اهدا شده به خیریه، معلول‌آزاری و... از مدیریت مؤسسه برکنار و همراه با خانواده‌اش که اعضای هیئت‌مدیره مؤسسه هستند، از ورود به مؤسسه محروم شده بود، همچنان مدیریت مؤسسه را در دست دارد.

تداوم ۳ساله تخلف‌ها در خیریه نرجس شیراز

پس از سه سال کش‌وقوس، بالاخره در ۱۵ مهر ماه ۱۴۰۱ حکم ممنوع‌الورودی مدیر مؤسسه نرجس به این مؤسسه و ۸ آبان‌ماه نیز «قرار نظارت قضائی» برای او توسط بازپرس شعبه ۱۱دادسرای ناحیه یک شهرستان شیراز صادر شد و بر این اساس از بهزیستی شیراز خواسته شد تا نسبت به معرفی مدیر جدید برای این مؤسسه اقدام و نتیجه را به آن شعبه اعلام کنند. بهاءالدینی اما با اینکه برای اعلام اعتراض خود ۱۰ روز زمان داشت به رأی دادگاه اعتراضی نکرد و بهزیستی هم سرپرستی برای او در مرکز معین نکرد و همین موجب شد تا او به همان روال قبل همچنان به مؤسسه آمد و شد داشته باشد. اکنون پس از چند ماه در اتفاقی نادر، ممنوع‌الورودی مدیر مؤسسه ظرف ۲۰ روز اخیر به او ابلاغ شده. این اتفاق که یا نتیجه تأخیر سهوی در اطلاع‌رسانی به اوست یا حاصل سهل‌انگاری عوامل اطلاع‌رسان، در هر حالت به تداوم تخلف‌ها در این مرکز منجر شده است. به گونه‌ای که تعدد و تداوم تخلفات مدیر این مؤسسه صدای امام جمعه موقت شیراز را نیز درآورده و موجب شده او دو بار در خطبه‌های نماز جمعه در این زمینه موضع بگیرد و با اینکه گزارش اخیر «روزنامه شهر مردم شیراز» از فسادمالی گسترده او در استان فارس خبرساز شده، بااین‌حال این موارد هم نتوانسته واکنش دستگاه‌های مربوطه درخصوص تعطیلی مؤسسه یا تغییر در مدیریت آن را برانگیزد.

در رسیدگی به پرونده مؤسسه نرجس شیراز، اهمال شده

امام‌جمعه موقت شیراز به خبرنگار ما می‌گوید: ما از دادگاه خواسته‌ایم تا طبق قوانین و مقررات با مدیران این مؤسسه و تخلفات رخ داده در آن برخورد کند، پرونده در مرجع قضائی تحت رسیدگی است اما الان دو سال است که مورد اهمال قرار گرفته و باید زودتر تکلیف آن روشن شود.

حجت‌الاسلام رضوی‌اردکانی با اشاره به کوتاهی بهزیستی استان فارس، بیان می‌کند: بهزیستی درباره این مؤسسه قصور داشته و الان باید هرچه زودتر برای مؤسسه تا زمان تعیین تکلیف قانونی آن، سرپرست موقت تعیین کند.

وی تأکید می‌کند: مرجع رسیدگی‌کننده به این مؤسسه مرجع قضائی است اما از آنجا که حکم شرعی هر چیزی مشخص است، حکم شرعی فعالیت مدیران این مؤسسه و سوءاستفاده آنها از اموال مؤسسه، مال حرام‌خوری است.

به داد معلولان برسید

حجت‌الاسلام رضوی‌اردکانی اخیرا در خطبه‌های نمازجمعه از مردم خواست تا بدون علم و اطلاع کافی به خیریه‌ها کمک نکنند.

او در شهریور سال گذشته نیز در خطبه‌های نماز جمعه با بیان اینکه «بهزیستی استان رهاست فکری به حالش کنید»، گفته بود: بهزیستی «به فردی با اتهامات مالی و غیرمالی که از بهزیستی اخراج شده مجوز تأسیس خانه سالمندان و۶ تا ۴۰ میلیون کمک‌هزینه برای هر نفر می‌دهد اما او به بدترین نوع با معلولان برخورد می‌کند» و از نمایندگان مجلس، سازمان بازرسی و استاندار خواسته بود تا به داد معلولین برسند.

امام‌جمعه موقت شیراز تاکنون دو بار در خطبه‌های نمازجمعه شیراز بدون ذکر نام این مؤسسه را کلاهبردار خوانده و تأکید کرده که بهزیستی روی خیریه‌ها نظارت کافی ندارد اما بهزیستی استان فارس در پاسخ به سخنان دلسوزانه ایشان که حاکی از بررسی‌های دقیق اوست، بخشی از گزارش عملکرد خود را تحت‌عنوان جوابیه منتشر کرد و تلویحا نظارت ناصحیح خود بر مراکز را رد کرد.

سوءاستفاده از سادگی سالمندان

یکی از وراث خانم سالمندی که خانه خود را به مؤسسه اهدا کرده بود، می‌گوید: مدیران این مؤسسه سه سال پیش مادربزرگ ما را با بهانه تأمین آخرتش فریب دادند تا آپارتمان ۱۷۰متری‌اش را وقف مؤسسه کند و وقتی او راضی شد، بدون اطلاع ما قولنامه ساختگی تهیه کردند و با سوءاستفاده از بی‌سوادی او در دفترخانه از او بر این اساس امضا گرفتند که شش دانگ منزلش را در قبال دوونیم میلیون تومان به مؤسسه فروخته و فقط تا زمان مرگش بر خانه خود تملک دارد.

او ادامه می‌دهد: الان چند سال است درگیر دادگاه و شکایت هستیم، بارها وکلای ما را تطمیع کرده‌اند، حتی با ارتباطاتی که دارند پیش از تشکیل هر جلسه دادگاه، مدارک و اسناد ما از ابتلای مادربزرگمان به آلزایمر را از پرونده خارج کرده و پس از دادگاه دوباره به پرونده برمی‌گردانند.

فروش مصالح اهدایی

یکی از خیرین می‌گوید: پس از سال‌ها کمک به مؤسسه متوجه شدم مدیران مؤسسه مصالحی را که از من به نام ساخت فضا برای نگهداری از معلولان دریافت می‌کنند، به‌جای دیگری انتقال داده و آن را به مصرف شخصی می‌رسانند یا می‌فروشند.

جعل مهر پزشک

طبق گفته شاهدان عینی و تعدادی از پرسنل مؤسسه مذکور، بهاءالدینی، خانواده و مدیران او نسخه‌های ساختگی خود را با مُهر جعل شده یک پزشک ممهور کرده و در ازای خدمات پزشکی داده نشده، از تأمین اجتماعی پول دریافت می‌کردند، اموال وقفی خیران به مؤسسه را به نام خود انتقال داده و گوشت نذری مردم به مؤسسه را می‌فروختند. آنها حتی پوشک‌های اهدایی مردم به کودکان معلول را در بازار آزاد می‌فروختند و برای کودکان مظلوم ساکن در این مرکز پارچه‌های ضخیم استفاده می‌کردند.

عدم اطلاع فرار مددجویان به پلیس

چند نفر از مادرانی که فرزندانشان در مؤسسه نگهداری می‌شده و چند نفر از پرسنل فعلی و قبلی مؤسسه می‌گویند: بارها خوراندن ترامادول به کودکان را به مدیریت گزارش دادیم اما به هیچ‌کدامشان ترتیب اثر داده نشد. ما هنوز صدای بچه‌ها را در حال تعریف ماجرا در گوشی‌هایمان داریم.

یکی از پرسنل سابق این مؤسسه تعریف می‌کند: سال پیش یکی از پسران ۱۲ساله دارای معلولیت کم‌توان ذهنی مرزی (نه‌چندان شدید) که در اثر نگهداری طولانی‌مدت در بخش معلولان کم‌توان ذهنی شدید کلافه شده بود، اقدام به فرار از مؤسسه کرد اما مدیر یک نصفه روز حاضر به اطلاع به پلیس نشد تا مبادا زیر سؤال برود و کلانتری، عصر کودک را درحالی‌که مورد آسیب جدی قرار گرفته بود پیدا کرد. همچنین فرار یکی از دختران مؤسسه را هم به پلیس اطلاع ندادند و خودشان دنبال او گشتند. آن دختر به‌طور اتفاقی پیدا شد.

یکی از مطلعین نیز می‌گوید: اینها تنها چند مورد از تخلف‌های مدیر مؤسسه خیریه نرجس شیراز است که با شکایت ما، تعدادی از خیرین و خانواده معلولان ساکن در مؤسسه، کار را به دادگاه کشاند و بهزیستی استان فارس در این مدت نه‌تنها خود از این اتفاقات شکایت نکرده بلکه در جهت صیانت از حقوق معلولان و حمایت از شاکیان نیز اقدامی به عمل نیاورد.

سکوت بهزیستی استان فارس و بهزیستی کشور

طبق قانون، «بهزیستی» مسئول نظارت بر عملکرد خیریه‌هاست. از طرفی بهزیستی شیراز با رأی دادگاه موظف بوده تا با تعیین سرپرست برای مؤسسه خیریه نرجس، درباره تعیین تکلیف نهایی مؤسسه و پیشگیری از تداوم تخلفات در آن اقدام کند اما نکرده. همچنین بهزیستی استان فارس و شیراز به‌جز صدور جوابیه در پاسخ به موضع‌گیری امام‌جمعه موقت شیراز و صدور چند اخطار مختصر اقدام دیگری در این زمینه انجام ندادند درحالی‌که دست‌کم می‌توانستند به‌عنوان قَیم و متولی معلولان، تا روشن‌شدن ابعاد دقیق ماجرا اقدام به تعطیلی یا تعلیق مرکز کنند.

برخورد خنثی و سکوت بهزیستی استان فارس و عدم مداخله بهزیستی کشور در این مسئله مهم در بهترین حالت حاکی از ترک فعل بهزیستی است. رویکردی که به آسیب جامعه هدف و تخریب اعتماد عمومی دامن زده و این نوع مواجهه، با توجه به رسالت و ماهیت بهزیستی از این نهاد، بعید و غیر قابل قبول است و اتفاقی عجیبی است که جای سؤال، مطالعه و موشکافی دارد.

حالا باید دید پیگیری شاکیان پرونده، روند حقوقی این ماجرا را به کدام سو می‌برد و دستگاه قضائی برای التیام آسیب‌هایی که از سوءمدیریت در این مرکز بر روح جامعه، سرمایه اجتماعی و باور عمومی نسبت به مراکز خیریه ایجاد شد چه رأیی صادر خواهد کرد و بهزیستی در قبال آن چه واکنشی خواهد داشت.

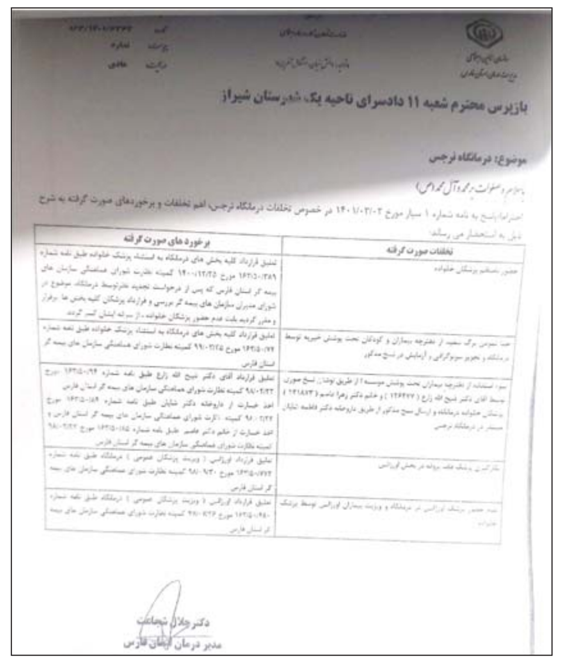

بازپرس محترم شعبه 11 دادسرای ناحیه یک شهرستان شیراز

موضوع: درمانگاه نرجس

دکتر جلال شجاعت
مدیر درمان استان فارس

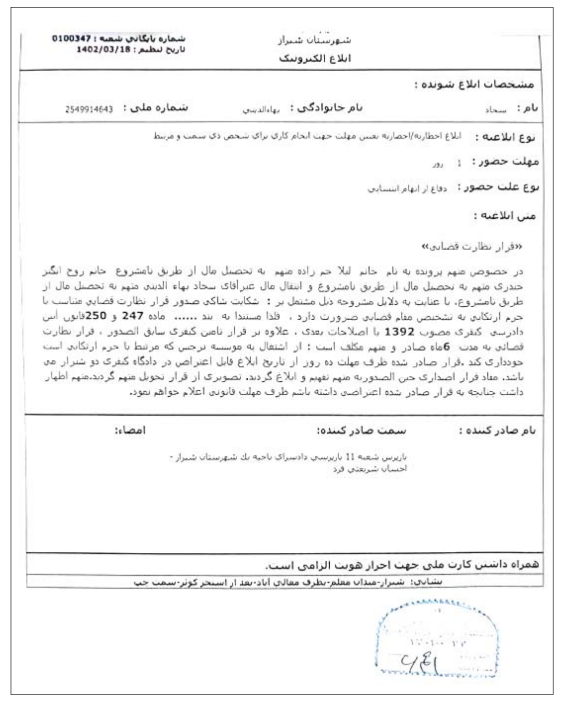

شهرستان شیراز
ابلاغ الکترونیک
شماره بایگانی شعبه : 0100347
تاریخ تنظیم : 1402/03/18

مشخصات ابلاغ شونده :
نام : سجاد
نام خانوادگی : بهاءالدینی
شماره ملی : 2549914643
نوع ابلاغیه : ابلاغ اخطاریه/احضاریه تعیین مهلت جهت انجام کاری برای شخص ذی سمت و مرتبط
مهلت حضور : ۱ روز
نوع علت حضور : دفاع از اتهام انتسابی
متن ابلاغیه :

«قرار نظارت قضایی»

در خصوص متهم پرونده به نام خانم لیلا خرم زاده متهم به تحصیل مال از طریق نامشروع خانم روح انگیز حیدری متهم به تحصیل مال از طریق نامشروع و انتقال مال غیر آقای سجاد بهاء الدینی متهم به تحصیل مال از طریق نامشروع، با عنایت به دلایل مشروحه ذیل مشتمل بر : شکایت شاکی صدور قرار نظارت قضایی متناسب با جرم ارتکابی به تشخیص مقام قضایی ضرورت دارد ، فلذا مستندا به بند ...... ماده 247 و 250 قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392 با اصلاحات بعدی ، علاوه بر قرار تامین کیفری سابق الصدور ، قرار نظارت قضایی به مدت 6ماه صادر و متهم مکلف است : از اشتغال به موسسه نرجس که مرتبط با جرم ارتکابی است خودداری کند .قرار صادر شده ظرف مهلت ده روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در دادگاه کیفری دو شیراز می باشد. مفاد قرار اصداری حین الصدور به متهم تفهیم و ابلاغ گردید. تصویری از قرار تحویل متهم گردید.متهم اظهار داشت چنانچه به قرار صادر شده اعتراضی داشته باشم ظرف مهلت قانونی اعلام خواهم نمود.

نام صادر کننده :
سمت صادر کننده :
امضاء:
بازپرس شعبه 11 بازپرسی دادسرای ناحیه یک شهرستان شیراز - احسان شریعتی فرد

همراه داشتن کارت ملی جهت احراز هویت الزامی است.
نشانی: شیراز-میدان معلم-بطرف معالی آباد-بعد از اسنجر کوثر-سمت چپ

گزارش خبری

«اصلاح دستمزد»، در مسیر پیگیری

ایلنا: عضو اسبق کارگری شورای‌عالی کار گفت: واگذاری اختیار تعیین دستمزد به مجلس شورا، فرار از مسئولیت است و به‌هیچ‌عنوان کارایی ندارد؛ این اتفاق نباید بیفتد.

در روزهای میانه فروردین، زمزمه‌هایی درباره احتمال اصلاح مصوبه مزدی ۱۴۰۳ شنیده شد؛ اما هیچ ابلاغیه و بخش‌نامه‌ای از سوی وزارت کار یا هیئت دولت منتشر نشد. در عوض مقامات وزارت کار ازجمله شخص وزیر و معاون روابط کار ایشان، در تریبون‌های مختلف از لزوم تعطیل‌کردن شورای‌عالی کار و سپردن اختیار تعیین دستمزد کارگران به مجلس خبر دادند. علی خدایی، عضو اسبق کارگری شورای‌عالی کار و نایب‌رئیس هیئت‌مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور، معتقد است «این رویکرد وزارت کار مصداق بارز فرافکنی و فرار از مسئولیت است».

این فعال کارگری در گفت‌وگو با ایلنا تصریح کرد: واگذاری اختیار تعیین دستمزد به مجلس شورا، فرار از مسئولیت است و به‌هیچ‌عنوان کارایی ندارد؛ این اتفاق نباید بیفتد. این چه مدل استدلالی است که وزیر کار ادعا می‌کند «با واگذاری اختیار دستمزد به مجلس می‌خواهیم نگرانی‌ها را کاهش دهیم»! این حرف چه منطقی دارد؟ یا جای تعجب دارد که رعیتی‌فرد، معاون وزیر، در صحبت‌هایش می‌گوید «با واگذاری اختیار مزد به مجلس، شورای‌عالی کار از اتهامات تبرئه می‌شود»!

دولت به دنبال فرافکنی و پوشاندن ضعف‌های خود است

خدایی با بیان اینکه «مبنای این کار و دلایلی که برای آن می‌آورند، نه‌تنها پذیرفتنی نیست؛ بلکه مضحک است»، اضافه کرد: اگر قرار باشد هر نهاد اجرائی برای فرار از اتهامات و رفع مسئولیت، کار خود را به مجلس شورا واگذار کند، باید قوه اجرا را تعطیل کنیم و همه تصمیمات را به مجلس واگذار کنیم؛ چراکه در حوزه اجرا هر تصمیمی که بگیریم، ممکن است منجر به چالش شود، یک عده‌ای نگران شوند، عده‌ای اتهام بزنند یا گروهی متهم شوند... .

به گفته عضو اسبق کارگری شورای‌عالی کار، این رویکرد وزارت کار دقیقا به معنای فرار از مسئولیت و مغایر با روح سه‌جانبه‌گرایی حاکم بر حوزه روابط کار است.

او در توضیح بیشتر افزود: عرف بین‌المللی در حوزه دستمزد، برقراری سه‌جانبه‌گرایی میان کارگر، کارفرما و دولت است. اینکه آقایان تفسیر می‌کنند افرادی که در مجلس نشسته‌اند، نماینده همه اقشار مردم هستند و می‌توانند برای مزد کارگران تصمیم بگیرند، تفسیر غلطی است. باید گفت نمایندگان اقشار مردم، به شما به‌عنوان وزیر رأی اعتماد داده‌اند که بنشینید و کار کنید؛ ولی کارگران یک قشر خاص هستند و نمایندگان خاص خودشان را دارند. اساسا اصلا صلاح نیست که «نمایندگان همه اقشار مردم» درباره مزد مِن کارگر تصمیم بگیرند!

خدایی درباره دلیل پافشاری وزارت کار بر واگذاری اختیار تعیین دستمزد به مجلس گفت: این پافشاری دو علت می‌تواند داشته باشد؛ یا آقایان درک درستی از سه‌جانبه‌گرایی ندارند یا می‌خواهند ضعف خودشان در ایجاد اجماع میان سه گروه کارگری، کارفرمایی و دولت را با انداختن مسئولیت تعیین دستمزد بر گردن مجلس، بپوشانند. این احتمال دوم، به واقعیت بسیار نزدیک‌تر است.

این فعال کارگری با تأکید بر اینکه «به‌هیچ‌عنوان حق ندارند دست به چنین اقدامی بزنند» ادامه داد: سال‌های سال است که شورای‌عالی کار چه موفق و چه ناموفق، دستمزد کارگران را تعیین کرده است. اشکالات فعلی این شورا از زمان دولت احمدی‌نژاد آغاز شده است؛ آن زمان با تغییر آیین‌نامه، نمایندگان کارگری شورای‌عالی کار را از قدرت انداختند و بعد نظام تصمیم‌گیری شورای‌عالی کار را با اضافه‌کردن اعضای دولتی و برداشتن الزامِ به تأیید تصمیمات از طرف حداقل یکی از نمایندگان کارگری، به نفع دولت مصادره کردند. در واقع آن زمان شورای‌عالی کار را ناکارآمد و ابتر کردند و حالا می‌خواهند این نهاد را کامل حذف کنند.

خدایی بیان کرد: اگر واقعا دلشان برای سه‌جانبه‌گرایی و دستمزد کارگران می‌سوزد و می‌خواهند اوضاع را اصلاح کنند، بهتر است آن تغییرات تخریبی زمان احمدی‌نژاد را کأن لم یکن اعلام کنند و آیین‌نامه شورای‌عالی کار را به حالت اول برگردانند تا این نهاد به کارکرد ذاتی و اصیل خود بازگردد. من کماکان معتقدم قانون کارِ ما، یکی از مترقی‌ترین و پیشروترین قوانین کار موجود است، مشکل از حوزه اجرِاست که با تغییرات و اصلاحات و آیین‌نامه‌ها آن را تخریب کرده‌اند؛ یکی از پر دردسرترین این تغییرات هم اصلاحات تخریبی اواخر دهه ۸۰ در آیین‌نامه شورای‌عالی کار است.

مزد باید اصلاح شود

یکی از مسائل مطرح این روزها، ناکافی‌بودن افزایش ۳۵.۳ درصدی حداقل دستمزد است که بدون امضای نمایندگان کارگری به تصویب شورای‌عالی کار رسیده است؛ اما با وجود مطالبه‌گری‌های فراوان کارگران، تا امروز «اصلاح بخش‌نامه مزدی» هیچ‌گونه خروجی روشن و مشخصی نداشته است. عضو اسبق کارگری شورای‌عالی کار در این زمینه می‌گوید: در بحث معیشت و دستمزد، دولت نه سال گذشته و نه امسال، به‌هیچ‌عنوان به نظرات گروه کارگری شورای‌عالی کار اهمیت نداده است. سال گذشته امضای نمایندگان کارگری را در بوق و کرنا کردند و مدعی شدند که خود کارگران این مزد را امضا کرده‌اند! امسال که نمایندگان کارگری اصلا مصوبه مزدی را امضا نکرده‌اند و به اعتقاد من با اتفاقاتی که امسال در شورای‌عالی کار افتاد، کامل مشخص شد که سال قبل هم امضای کارگران بر چه اساسی بوده.

خدایی افزود: مزدی که بدون امضا و توافق نمایندگان کارگری به تصویب رسیده، با توجه به این تورم کمرشکن و صعود بی‌سابقه نرخ سبد معیشت خانوارهای کارگری، بدون‌تردید نیازمند اصلاحات جدی و اساسی و البته فوری است و بارها هم اعلام کرده‌ایم که با شعار و وعده نمی‌توان جامعه را سرگرم کرد و شکم مردم را سیر کرد. اینکه ما یکسره گزارش مثبت بسازیم و آمار ارائه دهیم که همه چیز گل و بلبل است، مشکل معیشت مردم را حل نمی‌کند.

به اعتقاد این فعال کارگری، تورم، هزینه‌های ماهانه خانوارهای کارگری را به‌شدت افزایش داده و تأثیر افزایش دستمزد عملا به هیچ رسیده، این مشکلات با شعار درمان‌پذیر نیست و در این شرایط، دولت موظف است هم مزد را اصلاح کند و هم به شیوه‌ها و طرق مختلفِ دیگر به معیشت کارگران کمک کند.

خدایی در پایان اضافه کرد: با توجه به اینکه در شورای‌عالی کار حضور ندارم، درباره راهکارها و جزئیات اصلاحات دستمزد نظر نمی‌دهم؛ اما به‌عنوان یک فعال کارگری باید بگویم امروز مهم‌ترین مطالبه ما، مطالبه «اصلاح دستمزد» است و این مطالبه را با جدیت و از کانال‌های مختلف و موازی پیگیری می‌کنیم.